موضوع: نقد و بررسی ديدگاه ايده آليسم

دیدگاه ایده آلیسم برکلی

گفته شد برکلی درباره عالم طبیعت معتقد است که واقعیت عالم همان چیزی است که در مقام احساس ادراک می کنیم و وراء آن چیزی نیست. بر برکلی اشکال شده که دیدگاه شما همانند دیدگاه سوفسطائیان خواهد بود که وجود غیر از ادراکات خود را منکر بودند. وی در مقام پاسخ گفته است: از بیان من گمان مبرید که من از سوفسطائیان هستم، چرا که من موجودات طبیعی را قبول داریم، اما معنای وجود و موجود را غیر از آنچه دیگران معتقدند قبول داریم. به عبارت دیگر من منکر محسوسات نیستم. شک نیست که انسان شکل و حرکت و رنگ را می بیند و صدا را می شنود، بو و مزه و سردی و گرمی را با حواس خود درک می کند و محسوسات جز در مورد خطای حس و توهم درست است و حقیقت دارد. آنچه من منکر حقیقت داشتن آن هستم جوهر جسمانی است.[[1]](#footnote-1)

ارزیابی

در مورد این سخن برکلی دو نکته قابل توجه است:

1. در تاریخ فلسفه از کسانی با عنوان سوفسطائیان یاد شده که چهره های شاخص آن دو نفرند: پراتاگوراس و گورگیاس. این عبارت معروف از پراتاگوراس نقل شده که انسان مقیاس همه چیز است، یعنی واقعیتی جدای از تصورات انسان وجود ندارد.

اکنون سوال این است که که تفاوت دیدگاه برکلی و این سوفسطائیان چیست؟ برکلی هم معتقد است که واقعیتی وراء ادراکات وجود ندارد. برکلی معتقد است نظامی که در ذهن و ادراکات ذهنی حاکم است در مورد افراد مختلف یکسان است در حالی که از نظر پروتاگوراس این هماهنگی وجود ندارد، بلکه نسبیت حاکم است. پس دیدگاه برکلی از جهتی با دیدگاه سوفسطائیان هماهنگ و از جهتی متفاوت است. اگر بگوییم در عالم خارج واقعیتی غیر از ادراکات ما وجود دارد، این دیدگاه با سوفسطائیان متفاوت است اما اگر بگوییم در عالم خارج واقعیتی غیر از ادراکات ما وجود ندارد همانند آنچه برکلی می گوید، تفاوتی میان این دیدگاه با سوفسطائیان وجود ندارد.

2. برکلی می گوید من جوهر جسمانی را منکر هستم. در بررسی این سخن می گوییم ماهیت به دو قسم جوهر و عرض تقسیم می شود. اگر ماهیتی در وجود خارجی به موضوعی نیاز نداشته باشد (اذا وجدت فی الخارج، وجدت لا فی موضوع مستغی عنها) جوهر خواهد بود و اگر به موضوع نیاز داشته باشد عرض خواهد بود. طبق این تعریف جوهر دو گونه است: یا اصلا موضوع ندارد و آن در صورتی است که مجرد تام باشد و یا موضوع دارد اما این موضوع به همین ماهیت محتاج است مثلا صورت جسمیه (فعلیت امتدادات سه گانه طول و عرض و عمق)، در مقابل ماده و هیولی که خود محتاج به صورت است. ماده، جوهری است که قوامش به صورت است زیرا ماده قابلیت محض است.

اگر کسی بخواهد جوهر را بپذیرد یا انکار کند ابتدا باید چیستی آن را بداند. یکی از اقسام جوهر، جوهر مفارق از ماده ذاتا و فعلا است (عقل مفارق) و گونه دیگر آن ماهیتی است که مجرد از ماده ذاتا و نه فعلا است (نفس ناطقه) و دیگری صورت جسمیه و ماده اولی، و قسم پنجم آن جسم است یعنی جوهری که دارای ابعاد سه گانه طول و عرض و عمق است). در میان فلاسفه این مساله مطرح بوده که آیا جسم بسیط است یا مرکب از ماده و صورت است؟ دیدگاه مشهور فلاسفه، خصوصا فلاسفه مشاء این است که جسم مرکب از ماده و صورت است، و این دو به هم وابستگی و نیاز دارند. در نقطه مقابل برخی قائل شدند که جسم بسیط است (جسم یعنی همان صورت جسمیه) اما جوهر مادی یک امر انتزاعی و تحلیلی است. شیخ اشراق طرفدار این دیدگاه است و در آثار صدرالمتالهین و پیروان او هم مطالب دو گونه است در عین پذیرش، مناقشاتی هم وارد کرده اند.[[2]](#footnote-2)

جوهر جسمانی را اعم از اینکه مرکب بدانیم یا ندانیم، واقعیت آن از محسوسات نیست که بشود با ادوات حسی آن را ادراک کرد کما اینکه از طریق حس آن را نفی نیز نمی توان کرد. ما از طریق ادراکات حسی تنها اعراض را درک می کنیم. حال اگر کسی بگوید من معتقد به وجود جوهر نیستم علی القاعده باید بگوید اعراض جسم، متکی به خود هستند. و لازمه این سخن این است که به جای یک جوهر جسمانی به تعداد اعراض که 9 تا است، به جوهر بودن آنها قائل باشیم. علامه طباطبایی در بدایه الحکمه پس از تعریف جوهر و عرض و بیان اقسام آنها می فرماید: وجود این دو قسم ماهیت یعنی جوهر و عرض، ضروری است و کسی که وجود جوهر را انکار کند، باید به جوهر بودن اعراض معتقد شود، پس به وجود جوهر ناآگاهانه معتقد شده است.[[3]](#footnote-3)

بنابراین اشکال بر سخن برکلی وارد است و دفاعی که کرده پذیرفته شده است. بله این سخن وی درست است که ما از جوهر ادراک حسی نداریم، اما می توان از طریق تفکر عقلی به آن پی برد.

ادامه بحث انشاءالله در گفتار بعد بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سیر حکمت در اروپا، ج2، ص 399 [↑](#footnote-ref-1)
2. ر.ک: ایضاح الحکمه، ج2، ص 110- 120 [↑](#footnote-ref-2)
3. بدایه الحکمه، مرحله 6، فصل اول [↑](#footnote-ref-3)